



https://doi.org/10.22034/1.1.46

نشریه مکتب احیاء، ۱(۱)، ۵۱-۶۷ / زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

## نگاه به بناها و شهرهای تاریخی به مثابه متن رویکرد روایتگری در حفاظت\*

کیمیا وفایی گیلوایی<sup>۱</sup>، سجاد مؤذن<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی (گرایش میراث شهری)، گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
۲. استادیار گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

### چکیده

هر ساختار نظری در جهت حفظ میراث فرهنگی باید بتواند به سؤال «چگونگی» ادامه حیات بناها و محوطه‌های تاریخی پاسخ دهد و از آن جایی که مدرنیته بندهای ارتباطی ما با سنت و گذشته خود را قطع کرده، ساختار ارائه شده جدید باید تلاشی برای برقراری این ارتباط از دست رفته باشد. به همین دلیل پژوهش پیش رو تلاشی است در جهت ارائه ساختاری جدید در زمینه حفاظت از بناها و بافت‌های تاریخی تا بتوان با کمک آن به این میراث، حیاتی دوباره بخشید. در این پژوهش بیان می‌شود که رویکرد روایتگری چگونه می‌تواند با استفاده از توانایی خود در برقراری ارتباط بین گذشته، حال و آینده، وضعیتی از وجود و ماندگاری را به این میراث اعطای کند که نه تنها بتواند به زندگی خود ادامه دهند، بلکه از نقش خود به عنوان عنصری منفعل در جامعه جدا شده و به شخصیتی تأثیرگذار در زمینه خود تبدیل شوند و با هویتی مستقل به زیست خود ادامه دهند در حالی که هم‌زمان برای حفظ بقاء با «تغییرات» زمانه نیز خود را منطبق می‌کنند. درنهایت بیان می‌شود که استفاده از این رویکرد به صورت ساختارمند و یا مکملی در کنار دیگر رویکردها می‌تواند به نتایج پایداری در زمینه حفاظت منتهی شود. در همین راستا در پژوهش پیش رو رویکرد روایتگری در نوشهای افرادی چون پل ریکور، هانس گثورگ گادامر، هایدگر و نایجل والتر کنکاش می‌شود.

### اطلاعات مقاله

- تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

وازگان کلیدی  
روایتگری، تداوم سنت، هویت، پل ریکور، گئورگ گادامر



\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «کیمیا وفایی گیلوایی»، با عنوان «طرح حفاظت از هویت گمشده شهر رشت با به کارگیری روایتگری، نمونه موردنی باع صفا» است که به راهنمایی دکتر سجاد مؤذن در گروه مرمت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران در حال انجام است.  
\*\* نویسنده مسئول: sajadmoazen@iust.ac.ir، +۹۱۶۶۹۱۱۴۰۴

This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

## مقدمه

«معنای هستی انسان در قدرت او در ایجاد تغییرات و یا اداره جهان خلاصه نمی‌شود، بلکه معنای هستی انسان در بهادار آورده شدن و قرارگرفتن در روایات نهفته است، تا به یادماندنی شود.»

برداشتی از کتاب «وضع بشر» هانا آرنت (Ricoeur, 1991). حفاظت از بنایها و شهرهای تاریخی صرفاً عملی در جهت حفظ اجزاء آنها مانند آجر و خشت نیست، بلکه می‌تواند در جهت حفظ یک روایت نیز باشد، داستانی که در گذر زمان شکل می‌گیرد و لایه‌های تاریخ، فرهنگ و تلاش انسان را آشکار می‌کند (Walter, 2014). این پژوهش پیامدهای رویکرد حفاظت روایی را بررسی می‌کند و استدلال می‌کند که برای درک گذشته، شکل‌دهی به حال و هدایت آینده می‌تواند ضروری باشد. ساختمانها و شهرهای تاریخی تجسم فیزیکی میراث مشترک ما هستند (Andrew McClelland, 2013). آنها شاهد پیروزی‌ها و تراژدی‌های تاریخ بشر، ظهور و سقوط امپراتوری‌ها، تکامل سبک‌های معماری، و تغییر الگوهای زندگی شهری هستند. با حفظ این ساختارها، ما نه تنها شکل فیزیکی آنها را حفظ می‌کنیم، بلکه در جهت حفظ روایات آنها نیز قدم بر می‌داریم (ibid.). با این حال، باید در نظر داشت که حفاظت یک فرایند ثابت نیست بلکه یک تعامل پویا بین گذشته و حال، بین حفظ و تغییر است (Poulios, 2014). این پژوهش به این مسئله می‌پردازد که چگونه حفاظت از روایت می‌تواند به ما کمک کند تا در این مسیر پیچیده، حرکت کنیم و با احترام به گذشته خود، آن را با خواسته‌های زندگی شهری معاصر حال حاضر متناسب کنیم (Erica Avrami, 2019). پیش از هرچیز، این پژوهش دعوتی است برای نگریستن به ساختمانها و شهرهای تاریخی نه به عنوان یادگاری از دوران گذشته، بلکه به عنوان موجودات زنده‌ای که به تکامل و سازگاری خود ادامه می‌دهند؛ فراخوانی است برای پذیرش حفاظت روایی به عنوان ابزاری برای درک جایگاه خود در جهان و مسئولیت ما در قبال آن. روایت، سفری است در زمان و مکان که در این حوزه مورد پژوهش یعنی میراث فرهنگی، کمک می‌کند تا داستان‌های پنهان شده در عناصر تشکیل‌دهنده آنها را بازیابیم و کشف کنیم که آنها می‌توانند در مورد خودمان و تجربیات مشترک انسانی ما به خودمان بیاموزند (Walter, 2014). در این پژوهش سعی شده است تا با روشن کردن مسئله حفاظت روایی، به اهمیت ارتباط آن با حفاظت به شکل منسجم خود پی برد شود. نتایج حاصله در این پژوهش با کمک روش تحقیق توصیفی استخراج شده‌اند و در راستای دستیابی به نتایج موردنظر، گردآوری و تحلیل مطالب نیز از مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی متون قابل دسترس، آراء متغیران و صاحب‌نظران و نمونه‌های موردی استفاده شده است.

## رویکرد روایی چیست؟

حفاظت روایی<sup>۱</sup> رویکردی است که بر اهمیت داستان‌ها و تاریخ‌های نهفته در بنایها و شهرهای تاریخی تأکید می‌کند. این ساختارها باعث می‌شوند تا میراث، نه تنها به عنوان موجودات فیزیکی، بلکه به عنوان حاملان اهمیت فرهنگی و تاریخی نگریسته شوند. این رویکرد پویا است و اذعان می‌کند که حفاظت یک تعامل مداوم بین گذشته و حال است. در مقابل، سایر رویکردها مانند «روش‌شناسی مبتنی بر ارزش» بر مؤلفه‌های ملموس و ناملموس مرتبط با میراث تمرکز دارد که می‌تواند شامل ارزش‌های تاریخی، زیبایی‌شناختی، علمی، اجتماعی یا معنوی باشد. هدف، شناسایی، ارزیابی و تعادل این ارزش‌ها به منظور تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد حفاظت است (Keitsch, 2020). هر کدام از این رویکردها نقاط قوت و ضعف خود را دارند و اغلب می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. برای مثال، رویکرد حفاظت روایی می‌تواند با ارائه درک عمیق‌تر از روایت‌های تاریخی مرتبط با یک بنا یا یک شهر به عنوان میراث فرهنگی، روش مبتنی بر ارزش‌ها را غنی‌تر کند. به شکل مشابه، تلاش‌های حفاظتی می‌توانند از فهم روایت آن‌چه که یک منبع را از نظر فرهنگی یا تاریخی مهم می‌سازد، سود ببرند (Barthel, 1989). البته لازم به ذکر است که، مقایسه رویکردها خود یک مبحث جداگانه است که در حوصله این پژوهش نمی‌گنجد و باید به صورت مستقل مورد نقد و بررسی قرار بگیرد. رویکرد روایی دیدگاه منحصر به فردی در زمینه حفاظت از میراث تاریخی با تأکید بر اهمیت داستان‌ها و تاریخ ارائه می‌دهد و به ما این امکان را می‌دهد که ساختمانها و شهرهای تاریخی را نه تنها به عنوان ساختارهای فیزیکی، بلکه به عنوان موجودات زنده‌ای که میراث مشترک ما را تجسم بخشیده‌اند، ببینیم.

## بیوگرافی، تاریخچه‌نگاری و روایت

در مواجهه اولیه با بنایها و محوطه‌های تاریخی بدیهی است که برای دستیابی به نتایج بهتر ابتدا به ماجراهی آن بی ببریم، سفری که آن میراث تا به امروز طی کرده و شخصیت‌هایی که تاکنون به خود گرفته است. به همین جهت افراد متخصص از روش‌های متفاوتی در جهت دستیابی به حیات بنایها استفاده می‌کنند که دو مورد از رایج‌ترین آن‌ها در ادامه آمده است: بیوگرافی و تاریخچه‌نگاری. گرچه این دو ممکن است در نگاه اول تفاوتی با یکدیگر نداشته باشند اما در ساختار و معنا با یکدیگر متمایز هستند. نگاه به بنایها به عنوان شکلی از بیوگرافی و یا زمان‌بندی تاریخی همیشه وجود داشته است. در ابتدا ممکن است تصور شود که این عبارات معانی یکسانی دارند در صورتی که این‌گونه نیست. «بیوگرافی» فرم خاصی از روایت است و معمولاً شکل و سبک نویسنده را به خود می‌گیرد و در کنار آن نیازی نیست که موضوع مورد بحث حتماً زنده باشد، بدین معنا که موجودیت و پویابودن موضوع در شرح یک بیوگرافی مدنظر نویسنده نیست



به این دلیل که، بیوگرافی‌ها عموماً به عنوان وقایع اتفاقاتده و پایان‌بافته بیان می‌شوند. همچنین لازم به ذکر است که بیوگرافی تلاشی در شکل دادن به آینده نمی‌کند به همین دلیل است که نمی‌تواند در روند حل مسئله، حیات بنها و محوطه‌های تاریخی در آینده نقشی پویا ایفا کند (Walter, 2020a). «زمان‌بندی تاریخی» یا «تاریخ‌چندگاری»<sup>۳</sup> نیز یکی دیگر از رویکردهایی است که به درک ما از بنا کمک بسزایی می‌کند و همیشه در حال توضیح وقایعی است که در یک بازه زمانی خاص اتفاق افتاده‌اند. با وجود این که ممکن است مترادف بیوگرافی درنظر گرفته شود اما در دو مورد صحت اتفاقات و فرایند انتخاب و سازماندهی آن، با روش بیوگرافی تفاوت آشکاری دارد. در این مورد هم به دلیل این که این رویکرد تمثیلی بر شکل دادن به آینده نمی‌کند و یا محوطه‌تاریخی ندارد، عملاً از پرورش هویت بنا در ادامه راه زندگی خود بازمی‌ماند (ibid). در این میان روشنی که به نظر می‌تواند تمامی ابعاد زمانی میراث فرهنگی اعم از بنا، محوطه و محله را دربرگیرد «روایتگری» است. اما روایت به چه معنا است؟ در توضیح روایت بهتر است در ابتدا به معنای لغوی آن بپردازیم. در لغتنامه دهخدا «روایت» به معنای نقل شده، گفته شده از شخصی به شخص دیگر و در لغتنامه معین به عنوان نقل کردن مطلب و یا داستان معنا شده است. در صورتی که با نگاهی به واژه انگلیسی روایت در لغتنامه آکسفورد پی می‌بریم که این کلمه در اواسط قرن ۱۷ میلادی از ریشه کلمه‌ای لاتین<sup>۴</sup> گرفته شده و به معنای نقل شده مورد استفاده قرار می‌گرفته، اما در روند تکامل معنا، به «دانستن»<sup>۵</sup> تغییر پیدا کرده است. همین تغییر در معنای کلمه می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت «روایت» در ادراک جهان پیرامون ما باشد. اما در زمینه شهرها، محوطه‌ها و بنای‌های تاریخی، با کمک از ساموئل ولز می‌توان روایت را این چنین تعریف کرد: روایت در تلاش است تا بتواند اتحادی مابین گذشته، حال و آینده به وجود بیاورد و هویتی را به بنا یا محوطه تاریخی خود اعطای کند تا بتواند به عنوان شخصیتی مجزا و پویا به زندگی تأثیرگذاری در زمینه خود ادامه دهد و در ادامه امکان رشد و تغییر نیز داشته باشد (Wells, 1998).

لازم به ذکر است که در روایت، نقطه‌پایانی وجود ندارد و داستان تمام نشده است. این یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در تعريف روایت باید در نظر گرفت، زمانی که روایتی به نقطه‌پایان خود رسید به زندگی خود پایان داده است و این مسئله در تضاد با هویت روایت است. در توضیح بیشتر این مسئله از استفان کرایتس در نوشتۀ‌ای با عنوان کیفیت روایی تجربه بیان می‌شود که روایت بهنهایی می‌تواند تمام تجربه زمانی همراه با دو مؤلفه «حافظة ترتیبی تاریخی»<sup>۶</sup> و «آینده‌نگری»<sup>۷</sup> را در خود جای دهد؛ به شکلی که، تفاوتی میان شناخته‌شده‌بودن مؤلفه اول و ناشناخته‌بودن مؤلفه دوم دیده نشود (Critics, 1971). به این ترتیب در تعريف روایت و تمايز آن با دو عبارت بیان شده در بالا می‌توان به این موارد اشاره کرد که اول، روایتگری در تلاش است تا برقراری ارتباط بهتر بین جامعه و میراث فرهنگی به عنوان یک مفصل، زمان‌ها را به یکدیگر

متصل کند. دوم این‌که، در این تلاش خود، نقطه‌پایانی ندارد چراکه برای زندهنگه داشتن یک بنا و یا محوطه تاریخی به ادامه‌داری‌بودن شخصیت و هویت آن نیاز است و تداوم در حفظ هویت و شخصیت این قابلیت را نیز در بنای‌ها، محوطه‌ها و البته در طرح‌ریزی برنامه‌های حفاظتی آن‌ها به وجود می‌آورد که همیشه در مقابل «تغییرات» رویکردی روش‌گرایانه و غیرمحافظه کارانه را پیش‌بگیرند. در نتیجه عدم وجود تلاش در جهت تغییر و ارتقاء یا به معنی دیگر سکون به ازدست‌رفتن روایات می‌انجامد.

## ذات روایات

نگاه به بنای‌ها و شهرها به عنوان روایات، ایده جدیدی به شمار نمی‌آید. در سال ۲۰۱۰ ادوارد هالیس نویسنده کتاب زندگی پنهان بنای‌ها، آن‌ها را به عنوان روایات معرفی می‌کند و تاریخ معماری را در قالب سیزده داستان روایت می‌کند، اما تا به حال هیچ تلاشی در جهت ارائه زمینه‌ای تئوریک برای این حوزه صورت نگرفته است (Hollis, 2010). روایات در قالب وقایع زندگی شده و اتفاق افتاده، یکی از مهم‌ترین عوامل در درک تغییرات در ابعاد شهر، محله و بنا است. مؤلفه‌ای است به معنای استمرار هویت در زمان تمرکز دارد و به عنوان مؤلفه مثبتی به نشانه پویابودن بنای‌ها و محله‌های تاریخی به شمار می‌رود، بدین معنا که کمک می‌کند تا ساختمان‌ها و محوطه‌های تاریخی در گام نخست نه به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های هنری-تاریخی، بلکه به عنوان عناصری «میان‌نسلی»<sup>۸</sup>، «اجتماعی»<sup>۹</sup> و «درحال رشد»<sup>۱۰</sup> در جامعه خود درک شوند. در توضیح این گزاره نایجل والتر<sup>۱۱</sup> در کتاب خود به نام تئوری روایتگری در حفاظت<sup>۱۲</sup> بیان می‌کند: عبارت «میان‌نسلی» به معنای اهمیت در برقراری ارتباط مؤثر با گذشته بهخصوص سنت؛ «اجتماعی» به معنای قبول نقش نسل‌های فعلی و آینده در ادامه حیات میراث؛ «درحال رشد» به این معنا که داستان میراث هنوز به پایان خود نرسیده است و درنهایت «روایت» به معنای مؤلفه‌ای سودمند در ایجاد ارتباطی مؤثر و مستمر در زمان (گذشته، حال و آینده) هستند (Walter, 2020b). درک این‌ها و محوطه‌های تاریخی نه به عنوان جزئی از یک کل، بلکه خود به عنوان یک کل منسجم مقصود اصلی این تعریف است؛ به گونه‌ای که هم مرتب با نسل خود است و هم این امکان را فراهم می‌آورد تا بتواند با آینده منطبق شود. در کنار متعلق به جامعه خودبودن و ارتباط مؤثر با افراد حاضر، همیشه درحال پیشرفت و رو به سوی آینده دارند. این مؤلفه‌ها همگی در کنار یکدیگر مانند چرخدنده‌هایی عمل خواهند کرد که به ادامه حیات بنای‌ها و محوطه‌های تاریخی کمک بسزایی می‌کنند و یکی بدون حضور دیگری کارکرد مناسبی ندارد. امکان برقراری ارتباط مؤثر با جامعه و همچنین امکان درگیری روایات در زمینه‌های مختلف اعم از مسائل بسیار پیچیده تا پیش‌پافتاده‌ترین اتفاقات زندگی را می‌توان از دلایل اصلی دانست که حوزه روایتگری

بنها و محیط پیرامون آن‌ها- از جمله نفیرات مدامشان- ارتباط برقرار کند (ibid). اما این مسئله که تا چه میزان و با چه شرایطی می‌توانیم با گذشته در گیر شویم، دغدغه‌اصلی مورد بحث در حوزه هرمنوتیک است. شاخه‌ای از دانش که به تفسیر «متون» از هر نوع می‌پردازد. هانس گادامر<sup>۱۸</sup> که به پیروی از استادش مارتین هایدگر بهدلیل گسترش دامنه فهم هرمنوتیک به تمام اشکال بشری بود، سنت را این گونه معنا کرد که سنت آن است که ما ارقاد مری سازد با گذشته در گیر شویم؛ به همین دلیل برای ادراک ما درباره همه‌چیز ضروری است. برای او «سنت» با «درک» همراه است و ادراک چیزی است که او، آن را «تلقیقی از افق‌ها»<sup>۱۹</sup> در زمان حال و گذشته می‌خواند. در یک سنت این فرایند ادغام، پیوسته در جریان است، چراکه کهنه و نو برای ترکیب و تبدیل شدن به «ارش زنده»<sup>۲۰</sup> همیشه با هم در تعامل هستند بدون این که هیچ‌کدام از آن‌ها صراحتاً از دیگری پیشی بگیرد (Gadamer, 1989).

حافظت دائماً در مخالفت با آثار مخرب تمایز قائل شدن بین جدید و قدیم است (Walter, 2020c). با این حال تاکنون توانسته است مخالفت خود را با کاربیست معکوس گرآهه بالا عملی کند، یعنی قدیم را از جدید جدا کند؛ و نتیجه این است که با جدا کردن و تمایز قائل شدن بین بنها و اشیاء قدیمی از آن «آمیختگی افق‌ها»<sup>۲۱</sup> که براساس تعریف گادامر، برای سلامت تداوم سنت به عنوان یک کل و در زمینه حفاظت از شیء/بنا موردنظر در آن سنت ضروری است، جلوگیری می‌کنیم. می‌توان گفت که سنت میتواند «محافظه کارانه»<sup>۲۲</sup> باشد، اما نه از نظر سیاسی، بلکه با توانمند ساختن یک جامعه برای «حفظ» مسائل فرهنگی خود و سلامت انتقال آن‌ها از نسلی به نسل دیگر. بنابراین سنت در این معنا بیشتر مفهومی «رادیکال» (بازگشت به ریشه) دارد تا محافظه کارانه. بعد از کنکاش‌های پل ریکور در کتاب زمان و حکایت<sup>۲۳</sup>، نظریه روایت به شکل گستردۀ در سراسر حوزه علوم انسانی استفاده شده است. با این حال، برخی بهدلیل نگرانی از سوءاستفاده از روایت و آسیب روانی آن به‌ویژه هنگامی که به عنوان نوعی الگو برای استخراج هویت فردی استفاده می‌شود، در برایش مقاومت کرده‌اند، از جمله آن متفرکران می‌توان از پیتر لامارک نام برد که از «شفافیت روایت»<sup>۲۴</sup> صحبت می‌کند (Lamarque, 2014). ممکن است که ادعاهای روایی گاهی اغراق‌آمیز باشد، با این حال، ارتباط روایت در ارائه ارزیاری برای حفظ هویت (بافت تاریخی یا بنا) است. به این معنا که هم‌چنان قادر به تغییر با حفظ تداوم گذشته، حال و آینده است. مفهومی دو زمانی که ویلیام دولینگ<sup>۲۵</sup> به آن اشاره می‌کند. وی توضیح می‌دهد که تجربه از درون روایت ممکن است و این تنها راوی است که در انتهای داستان (تا آن‌جا که پیش رفته) ایستاده و به گذشته نگاه می‌کند و می‌تواند با اطمینان درباره معنا و اهمیت وقایع بازگشده نتیجه‌گیری کند (در این زمینه متخصص حوزه حفاظت). در همین نقطه است که تشابه آشکاری با تفسیر سورن کی‌یر کیگارد<sup>۲۶</sup> به چشم می‌خورد: زندگی را فقط از آخر به اول می‌توان فهمید اما باید از اول به آخر زندگی کرد (Walter, 2020c).

به‌واسطه آن در دنیا و در رشته‌های گوناگون مطرح است؛ به طوری که بسیاری از اندیشمندان حوزه روایت و هرمنوتیک باور دارند که دلیل اهمیت روایتگری در حادثه سه رشته اصلی، روان‌شناسی، اخلاق و فرهنگ بهدلیل همین قابلیت‌های بیان شده در این حوزه است. برای درک بهتر امکان برقراری ارتباط مؤثر با جامعه و درگیری روایات در زمینه‌های متفاوت زندگی، کافی است نگاهی دقیق‌تر به روزمره خود داشت تا حضور روایات در تمامی موارد گهای آن در یافت شود، که در جهت درک بهتر ماز دنیای اطراف تلاش می‌کند (Mink, 1972).

باریارا هارדי<sup>۱۳</sup> در سال ۱۹۶۸ در یکی از نوشته‌های خود به درستی بیان می‌کند روایات در همه‌جا حضور دارند، ما در روایات همان‌طور روی‌پردازی می‌کنیم که در خاطرات، آینده‌نگری، آمید، نالمیدی، شک، ایمان، اصلاح کردن، نقد کردن، خلق کردن، شایعه‌پراکنی، یادگیری، نفرت و علاقه (Hardy, 1968). همین مؤلفه جاری بودن از گذشته تا زمان حال و امکان امتداد یافتنش در آینده است که باعث شده پل ریکور<sup>۲۷</sup> در کتاب زمان و حکایت اشاره کند: روایات مفصل مهمی در بوجود آوردن یک کل منسجم<sup>۲۸</sup> هستند.

## رویکرد روایتگری

با توجه به مطالب گفته شده، اهمیت مسئولیت و وظیفه هر نسل در قبال ارائه و اضافه کردن روایتی به زندگی بنها و محوطه‌های تاریخی برای ادامه بقای آن‌ها به عنوان شخصیت‌های پویا و ادغام شده با زمینه خود غیرقابل انکار است. به همین دلیل عبارت «میان‌نسلی» بودن در تعریف روایت گنجانده شده است. بین سه مؤلفه «میان‌نسلی»، «اجتماعی» و «درحال رشد»، عبارت اجتماعی به‌دلیل توجه خود بر جامعه و مهارت‌های سنتی آن در کنار وجود اشتراک با ارزش‌های اجتماعی و نظریه میراث ناملموس بیشتر مورد استفاده در موضوعاتی قرار می‌گیرد که در ارتباط مستقیمی با میراث زنده هستند. با این وجود در عبارت اول یعنی «میان‌نسلی» مسئله سنت بسیار پررنگ‌تر است، مؤلفه‌ای که در سال‌های اخیر در تعاریف متعددی به کار گرفته شده است. برای مثال، برخی مانند ادموند بورک<sup>۲۹</sup> معتقدند که مدرنیته، ذات سنت را محافظه کاری سیاسی می‌پندارد (Burke, 2001). اما برخی دیگر مانند آلسیر مکانتایر<sup>۳۰</sup> معتقدند که: سنت معنای کاملاً متفاوت و امروزی‌تری دارد و با روایات و عرف‌های موجود گره خورده است. او زندگی یک شخص یا یک اجتماع را روایتی می‌بیند که باید در برابر یک جامعه، مشتشکل از شیوه‌های سنتی که معيارهای مباحثه‌های عقلاتی از آن‌ها استخراج شده، بازگو شود (MacIntyre, 1985). استدلال وی این است که ما نمی‌توانیم در چارچوب یک سنت فکر نکنیم، خواه مورد تأیید ما باشد یا نه، اما در صورتی که سنت به درستی درک شود ماهیتی گفت‌وشنودی<sup>۳۱</sup> پیدا می‌کند و به مباحثه‌ای گستردۀ و متعلق به تمامی نسل‌ها تبدیل می‌شود. از آن جایی که سنت‌ها هم پویا و مولد هستند و هم از منابع پیشامد رنیته بهره می‌برند باعث‌می‌شود تا یک سنت کارآمد به صنایع متفاوتی از جمله حفاظت این آزادی عمل را بدهد تا به شکلی سودمند با نیازهای

بنابر آن چه گفته شد، جهت‌گیری روایات به سمت آینده و گذشته است و نتیجه‌گیری و استفاده از آن همواره به عهده متخصصی است که بتواند بهترین ادراک را از آن داشته باشد. هم‌چنین در تضادی آشکار با روش ارزش‌گذاری تاریخی که در حال حاضر بسیار مورد توجه و کاربرد است؛ روشنی که در آن بنها و محوطه‌های تاریخی عموماً براساس اجزای خود ارزش‌گذاری می‌شوند و معمولاً ارتباط آن‌ها با زمینه خود در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. در انتها می‌توان نتیجه گرفت که روایات یکی از رابطه‌های مهم برای هر بنا و محوطه تاریخی با افراد حاضر در جامعه خود هستند و این ارتباط خود را از طریق ساخت، ترمیم و یادآوری هویت ازدست‌رفته خود به دست می‌آورند.

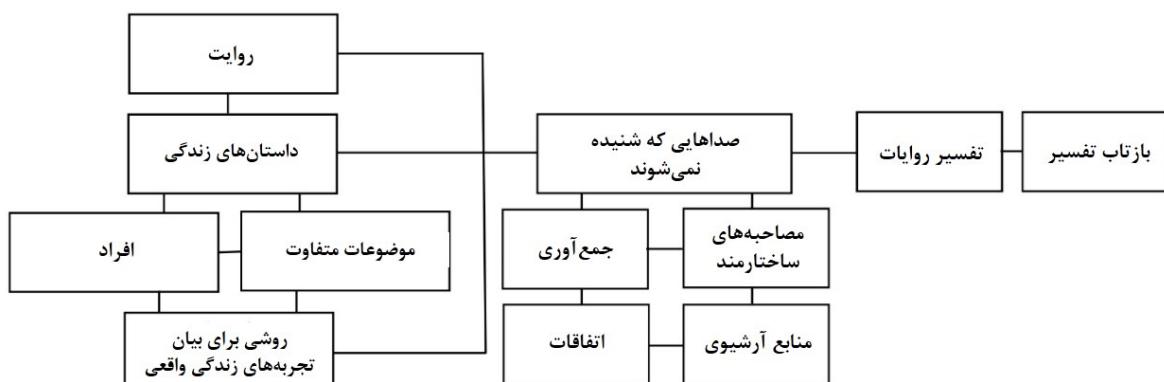
## نمونه موردی

با وجود این که روایتگری در زمینه‌های فلسفی سابقه‌ای طولانی دارد، اما تنها چند سال است که به صورت تخصصی در حوزه حفاظت مورد پژوهش و به عنوان شیوه‌ای برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده متخصصین قرار می‌گیرد. کتب و مقالات از جمله این پژوهش‌ها هستند اما در بوتئ عمل موارد اندکی وجود دارند که می‌توان از آن‌ها نام برد؛ برای مثال، درباره روایتگری و روش به کارگیری آن به طور مختصر می‌توان به پژوهش‌ای رجوع کرد که در آن ویهان رانگ<sup>۷۷</sup> در سال ۲۰۲۲ به برقراری ارتباط روایت و میراث فرهنگی با نام بررسی ارزش حیاط‌های کنفوشیوسی در چین در حفاظت از معماری<sup>۷۸</sup> پرداخته و سعی کرده است تا با استفاده از این رویکرد بتواند چنین میراثی را در چین زنده کرده و باعث رشد آن در آینده شود. او هم‌چنین در پژوهش کوتاه خود با همین نام شیوه اتخاذ‌شده خود جهت جمع‌آوری روایات را به شکلی مختصر در قالب تصویر ۱ قابل مشاهده است. او در این باره می‌نویسد که برای گردآوری روایات به بهترین شکل و برای بررسی و تنظیم طرح حفاظتی موردنظر خود، ابتدا شروع به مشاهده آن‌ها می‌کند که این شناسایی بخش مهمی از کار وی را تشکیل می‌دهد. در مرحله بعدی او شروع به شنیدن آن دسته از روایاتی می‌کند که تا به حال شنیده نشده‌اند و در خصوص ثبت آن‌ها شروع به جمع‌آوری اطلاعات می‌کند و درنهایت روایات

به دست آمده را تفسیر کرده و سعی می‌کند تا چنین تفاسیری Rong در جامعه‌ای که روایات را دربرگرفته‌اند بازتاب دهد (Rong & Bahauddin, 2023) روش ارائه شده در این پژوهش گرچه برای نویسنده آن مؤثر واقع شده است، اما می‌تواند مطابق با نیازها و وضعیت‌های موجود هر پروژه تغییر کند و به مراحل آن افزوده و یا از آن کم شود.

## نتیجه‌گیری

آینده حفاظت به عنوان یک کل منسجم در رسیدن به نتیجه‌ای سودمند و در رابطه‌ای درست با حفاظت و زمینه‌های نظری آن استوار است. حفاظت مبتنی بر ارزش، محدودیت‌های بسیاری دارد به خصوص در ارتباط با بنها و زنده‌ای که باید گذشته پیچیده آن‌ها کنکاش شود. به علاوه، آن فشارهای مضاعفی که درباره چگونگی استفاده از آن‌ها نیز وجود دارد و نیازمند حل شدن است. چراکه این رویکرد، ارزش‌های اشتراکی-اجتماعی را به نسل فعلی محدود می‌کند؛ هم‌چنین می‌تواند مورد سوءاستفاده آن دسته از به اصطلاح متخصصانی قرار بگیرد که فاقد دانش کافی برای اقدام مسئولانه هستند. با وجود این محدودیت‌ها درباره هویت بنها و محوطه‌های تاریخی -به خصوص آن دسته که با نام «بنها و زنده» خطاب می‌شوند- مهم‌ترین قدم در بهبود برآیند حفاظت، پر ریزی ساختار نظری جدید است. ساختاری جدید با نام رویکرد روایتگری که با استفاده از آن بتوان ارتباطی بین مردم و میراث فرهنگی به وجود آورد. روشنی که می‌تواند بنها و محوطه‌ها را به عنوان شخصیت و هویتی مجزا ببیند و این امکان را به آن‌ها بدهد تا تأثیر خود را در محیط پیرامونشان داشته باشند. درک این موضوع که ساختمان‌های زنده، مکان‌هایی برای تولیدات فرهنگی مستمر باقی می‌مانند، حفاظت را قادر می‌سازد تا جایگاه واقعی خود را در بسیاری از موارد حفظ کند. این رویکرد نه تنها در مورد میراث از هر نوع می‌تواند سودمند باشد، بلکه به طور گسترده‌تر برای حفاظت به عنوان یک کل منسجم نیز کاربرد خواهد داشت. رویکرد روایتگری می‌تواند جایگزین و یا مکملی مناسب برای روشهای روایات استفاده



تصویر ۱. روش استفاده شده در گردآوری روایات توسط ویهان رانگ. مأخذ: نگارندگان.

